

شرایط وجوب حج

۲۷ م - حجة الاسلام در صورت وجود شرایط زیر واجب میشود:

الف (عقل، ب (بلوغ، ج) استطاعت.

عقل و بلوغ

۲۸ م - شرط اول: عقل است ؛ بنابراین حج بر مجنون واجب نیست.

۲۹ م - شرط دوم: بلوغ است ؛ بنابراین، حج بر غیر بالغ - هر چند نزدیک به بلوغ باشد - واجب نیست و اگر غیر بالغ حج انجام دهد گرچه حجّ او صحیح است، لیکن از حجة الاسلام کفایت نمیکند.

اگر غیر بالغ مستطیع مُحرم شود و قبل از وقوف در مشعرالحرام بالغ شود، حجّ او از حجة الاسلام کفایت میکند.

۳۰ م - اگر غیر بالغ یکی از مُحرمات احرام را مرتکب شود، در صورتی که عمل حرام، شکار باشد، کقاره ی آن بر عهده ی ولیّ او است، امّا در مورد مُحرمات دیگر، پرداخت کقاره واجب نیست، نه بر غیر بالغ و نه بر ولیّ او.

۳۱ م - بهای قربانی حجّ شخص نابالغ بر عهده ی ولیّ او است.

۳۲ م - در حجّ واجب، اذن شوهر برای زن و اذن والدین برای فرزند شرط نیست ؛ بنابراین حتی در صورت عدم رضایت شوهر یا والدین، واجب است به حج برود.

استطاعت

۳۳ م - شرط سوّم: استطاعت (توانایی بر انجام دادن حج) است ؛ که مشتمل بر چند امر است:

الف - استطاعت مالی

ب - استطاعت بدنی و جسمی

ج - استطاعت طریقی

د - استطاعت زمانی

تفصیل هر یک از موارد فوق بدین شرح است:

الف: استطاعت مال

۳۴ م - برای تحقق استطاعت مالی موارد زیر باید تأمین باشد:

الف) هزینه ی رفت و برگشت و توشه ی سفر

ب) هزینه ی زندگی افراد تحت تکفل در زمان سفر

ج) ضروریات زندگی و آنچه در زندگی بدان نیاز دارد

د) برخورداری از زندگی متعارف پس از بازگشت (رجوع به کفایت).

۱- هزینه ی رفت و برگشت و توشه ی سفر

۳۵ م - منظور از توشه ی سفر، همه ی چیزهایی است که در سفر بدان نیاز است ؛ مانند خوراک، نوشیدنی و دیگر لوازم و احتیاجات سفر.

۳۶ م - بر کسی که توشه و هزینه ی رفت و برگشت ندارد و مالی هم برای تهیه ی آنها ندارد، حج واجب نیست، هر چند بتواند با کسب و کار آنها را تهیه کند.

۳۷ م - داشتن عین لوازم سفر برای استطاعت شرط نیست ؛ بلکه اگر مکلف پول یا مالی داشته باشد که بتواند برای آنها هزینه کند، کافی است و مستطیع است.

۳۸ م - کسی که از دیگری پولی به قدر استطاعت حج طلب دارد در صورتی که گرفتن آن طلب برایش میسر است، بدین معنی که وقت ادای آن فرا رسیده یا شخص مدیون پیش از وقت آن را پردازد باید آن را بگیرد و به حج برود.

۳۹ م - زنی که مهریه اش برای مخارج حج کافی است و آن را از شوهر طلبکار است، در صورتی که شوهر توان پرداخت نداشته باشد، نمیتواند آن را مطالبه کند و مستطیع نیست؛ ولی اگر شوهر توان پرداخت دارد و مطالبه ی مهر برای زن مفسده ندارد، واجب است مهریه را مطالبه کند و به حج رود. و اگر مطالبه ی مهریه برای زن مفسده دارد مثل اینکه منجر به نزاع و طلاق میشود، مطالبه ی مهریه واجب نبوده و مستطیع نیست.

۴۰ م - کسی که مخارج حج را ندارد ولی میتواند به آسانی آن مبلغ را از دیگری وام بگیرد و بعداً ادا کند واجب نیست که با گرفتن وام، خود را مستطیع کند ولی اگر وام گرفت حج بر او واجب می شود.

۴۱ م - کسی که بدهکار است و غیر از مقدار لازم برای مخارج حج، مالی برای پرداخت بدهی ندارد، اگر بدهی مدّت دار باشد و اطمینان داشته باشد که وقت ادا بدهی، توانایی پرداخت آن را دارد و نیز اگر وقت ادا بدهی فرارسیده باشد، ولی طلبکار به تأخیر پرداخت راضی است و بدهکار مطمئن است که وقت مطالبه میتواند بدهی را بپردازد، واجب است به حج برود؛ در غیر این دو صورت حج واجب نیست.

۴۲ م - کسی که نیاز به ازدواج دارد به طوری که ازدواج نکند به حرج یا سختی دچار می شود و امکان ازدواج برای او هست، در صورتی حج بر او واجب می شود که علاوه بر مخارج حج، هزینه ازدواج را هم داشته باشد.

۴۳ م - اگر اجرت وسیله ی نقلیه در سال استطاعت بیش از حدّ متعارف باشد، در صورتی که توان پرداخت مازاد را بدون حرج و مشقت شدید داشته باشد، واجب است آن را بپردازد و به حج برود و صرف گرانی مانع استطاعت نیست؛ ولی اگر توانایی پرداخت مازاد را ندارد یا پرداخت آن اجحاف بر او باشد، واجب نیست آن را بپردازد و مستطیع نیست و حکم خرید یا اجاره ی چیزهای دیگری که در سفر حج به آنها نیاز دارد نیز چنین است. همچنین اگر لازم باشد مال خود را به قدری کمتر از قیمت معمول بفروشد که موجب مشقت زیاد باشد، واجب نیست بفروشد.

۴۴ م - ملاک استطاعت مالی برای حج، توانایی انجام آن به نحو متعارف بین مردم است و اگر کسی اعتقاد دارد که به این نحو استطاعت ندارد ولی احتمال میدهد که اگر تحقیق و تلاش کند بتواند راهی بیابد که با وضع مالی فعلی مستطیع شود، واجب نیست تحقیق کند؛ ولی اگر شک در استطاعت مالی داشته باشد واجب است وضعیّت مالی خود را بررسی کند.

۲- هزینه ی زندگی افراد تحت تکفل در زمان سفر

۴۵ م - در تحقق استطاعت مالی، شرط است که مخارج افراد تحت تکفل را تا بازگشت از حج داشته باشد.

۴۶ م - منظور از افراد تحت تکفل، کسانی اند که عرفاً عنوان عائله بر آنان صدق میکند، هر چند نفقه دادن به آنان واجب نباشد.

۳- ضروریات زندگی

۴۷ م - از شرایط وجوب حج بر مکلف، دارا بودن ضروریات زندگی و هر آنچه که عرفاً شایسته ی موقعیت او است و به آن نیاز دارد، است. اما لازم نیست عین آنها موجود باشد، بلکه اگر پول یا چیزی که بتواند آن را صرف تأمین آنها کند، در اختیار داشته باشد، مستطیع است.

۴۸ م - شئون عرفی اشخاص متفاوت است. مثلاً کسی که داشتن خانه ی شخصی از ضروریات زندگی او است یا شأن عرفی او اقتضا میکند خانه داشته باشد یا سکونت در منزل استیجاری، سازمانی یا وقفی برای او حرج و مشقت شدید دارد یا موجب وهن او است، برای تحقق استطاعت او، داشتن خانه ی ملکی یا هزینه ی آن شرط است.

۴۹ م - اگر مالی داشته باشد که برای رفتن به حج کفایت کند، اما برای نیاز ضروری مانند تهیه ی مسکن، علاج بیماری یا تأمین لوازم زندگی به آن احتیاج داشته باشد، مستطیع نیست و حج بر او واجب نیست.

۵۰ م - کسی که ضروریات زندگی از قبیل مسکن، لوازم خانه، وسیله ی نقلیه و ابزار کار و مانند آن را بیشتر از شأن خود دارد، اگر فروش مقدار زائد موجب حرج یا وهن او نمیشود و قیمت حاصل از فروش آن برای مخارج حج کافی است یا آن را تکمیل میکند، باید مقدار زائد را بفروشد و به حج رود.

۵۱ م - اگر مکلف مثلاً زمین بفروشد تا برای سکونت خانه بخرد، در صورتی که خانه نیاز ضروری یا عرفی او باشد، با گرفتن پول زمین مستطیع نمیشود، هر چند به مقدار مخارج حج یا مکمل آن باشد.

۵۲ م - کسی که بعضی از اموالش از نیاز او خارج شده - مانند خودروی قدیمی که با خرید خودروی جدید به آن نیاز ندارد - و پول حاصل از فروش آن برای استطاعت یا تکمیل آن کافی است، با وجود شرایط دیگر، حج بر او واجب است.

۴- بهره مندی از زندگی متعارف پس از بازگشت (رجوع به کفایت)

۵۳ م - یکی از شرایط تحقق استطاعت مالی، رجوع به کفایت است. یعنی بعد از بازگشت از حج، مال یا محلّ درآمدی مثل تجارت، زراعت، صنعت، اجاره ی مغازه و مانند آن داشته باشد، به طوری که برای زندگی مناسب با شأن عرفی خود و خانواده اش کافی باشد.

۵۴ م - کسی که پس از بازگشت از حج راه درآمدی ندارد ولی میتواند با وجوه شرعی مانند خمس و زکات و امثال آن زندگی اش را اداره کند، حج بر او واجب است.

۵۵ م - رجوع به کفایت در استطاعت زن نیز شرط است ؛ بنابراین اگر زن شوهردار در حال حیات شوهر مستطیع شود، نفقه ای که شوهر به او میپردازد، برای تحقق استطاعت کافی است. ولی زنی که شوهر ندارد، باید بعد از بازگشت از حج، مال یا درآمد کافی برای اداره ی زندگی مناسب با شأن عرفی داشته باشد. در غیر این صورت مستطیع نیست.

۵۶ م - اگر شخصی هزینه و لوازم سفر را نداشته باشد، ولی دیگری مخارج حجّ او را بدهد، مثل اینکه به او بگوید: حج به جا آور و هزینه ی آن بر عهده ی من، در این صورت حج بر او واجب میشود و لازم است آن را قبول کند. این حج را «حجّ بذلی» گویند. در حجّ بذلی رجوع به کفایت شرط نیست و نیز لازم نیست عین اسباب و لوازم مورد نیاز را داده باشد، بلکه پرداخت قیمت کافی است ؛ اما اگر مال را به عنوان انجام حج به او ندهد، بلکه صرفاً مالی را که کافی برای حج است به او ببخشد، قبول آن واجب نیست، اما اگر هدیه را بپذیرد در صورت دارا بودن رجوع به کفایت، حج واجب میشود.

۵۷ م - حجّ بذلی از حَجّة الاسلام کفایت میکند و در صورتی که در سالهای بعد مستطیع شود، واجب نیست حج به جا آورد.

۵۸ م - اگر کسی از طرف مؤسسه یا شخصی برای انجام کاری به حج دعوت و مشرف شود، در صورتی که در مقابل دعوت به حج متعهد به انجام کاری است، حجّش حجّ بذلی نیست.

مسائل متفرقه ی استطاعت مالی

۵۹ م - کسی که مستطیع است، نمیتواند بعد از رسیدن زمانی که باید مال را برای رفتن به حج صرف کند، خود را از استطاعت خارج کند ؛ بلکه بنا بر احتیاط واجب قبل از آن نیز نباید خود را از استطاعت خارج کند.

۶۰ م - در تحقق استطاعت مالی شرط نیست که استطاعت در محل اقامت حاصل باشد، بلکه حصول آن در میقات نیز کافی است. بنابراین اگر در میقات استطاعت حاصل باشد حج واجب است و از حجة الاسلام کفایت میکند.

۶۱ م - کسی که با رسیدن به میقات قادر به انجام حج میشود، در صورتی مستطیع و حج بر او واجب است که بقیه ی شرایط استطاعت مالی را دارا باشد؛ بنابراین اگر افرادی مانند خدمه ی کاروان مخارج افراد تحت تکفل و ضروریات و لوازم زندگی مناسب شأن و رجوع به کفایت را دارا باشند، حج بر آنان واجب است و از حجة الاسلام کفایت میکند. در غیر این صورت حج آنان مستحبی است و در صورتی که بعداً مستطیع شوند، واجب است حجة الاسلام را به جا آورند.

۶۲ م - کسی که برای خدمت در حج با اجرتی که با آن مستطیع میشود اجیر شود، هر چند واجب نیست برای تحصیل استطاعت اجیر شود، اما بعد از قبول اجاره، حج بر او واجب میشود، به شرط آنکه انجام مناسک حج مزاحم خدماتی که برای آن اجیر شده است نباشد، وگرنه با این اجرت در این سال مستطیع نمیشود.

۶۳ م - کسی که استطاعت مالی ندارد، اگر برای نیابت از دیگری اجیر شود و پس از عقد اجاره با مالی غیر از اجرت نیابت مستطیع شود، باید در آن سال حج را برای خود انجام دهد و در سال بعد حج نیابتی را، اما اگر عقد اجاره برای همان سال بوده است، اجاره باطل است.

۶۴ م - اگر شخص مستطیع بر اثر غفلت یا عمداً قصد حج استحبابی کند - هر چند هدفش تمرین برای انجام هر چه بهتر مناسک در سال بعد باشد یا با اعتقاد به عدم استطاعت باشد - بعد معلوم شود مستطیع بوده است، کفایت آن از حجة الاسلام محل اشکال است و بنا بر احتیاط واجب، باید در سال بعد حج را به جا آورد، مگر آنکه قصد داشته وظیفه ی فعلی را انجام دهد و خیال نمیکرده وظیفه ی فعلی اش حج استحبابی است، در این صورت از حجة الاسلام کفایت میکند.

ب - استطاعت بدنی

۶۵ م - منظور از استطاعت بدنی، توانایی جسمی لازم برای رفتن به حج است. بنابراین بر بیمار و سالمندی که قدرت رفتن به حج را ندارد یا رفتن برایش حرج و مشقت شدید دارد، حج واجب نیست.

۶۶ م - شرط است استطاعت بدنی تا زمان احرام باقی باشد؛ بنابراین اگر کسی به قصد حج سفر کند ولی قبل از احرام، بیماری، او را از ادامه ی راه بازدارد، معلوم میشود استطاعت بدنی نداشته است و حج بر او واجب نیست و لازم نیست برای حج نایب بگیرد. ولی اگر حج از قبل بر او مستقر

شده است، در صورتی که از بهبودی و توانایی انجام حج بدون حرج و مشقت شدید، هر چند در سالهای آینده، ناامید باشد، باید نایب بگیرد؛ ولی اگر امید به بهبودی و انجام حج هر چند در سالهای آینده داشته باشد، خودش باید در اولین سال ممکن به حج برود. اما اگر پس از احرام بیمار شود، احکام خاص خود را دارد.

ج - استطاعت طریقی

۶۷ م - استطاعت طریقی، یعنی راه برای رفتن به حج باز و امن باشد؛ بنابراین کسی که راه بر او بسته است، به طوری که نمیتواند به میقات برسد یا اعمال حج را تکمیل کند و نیز کسی که راه برایش باز است ولی امن نیست، مانند آنکه در راه، جان یا بدن یا آبرو یا مال او تهدید شود، حج بر او واجب نیست.

۶۸ م - کسی که استطاعت مالی دارد و رفتن به حج متوقف بر ثبت نام در قرعه کشی است، اگر احتمال می دهد در همان سال قرعه به نامش بیفتد بنا بر احتیاط واجب باید ثبت نام کند و اگر قرعه به نامش درنیامد، مستطیع نیست و حج بر او واجب نیست؛ اما اگر رفتن به حج در سالهای آینده مشروط به حضور در نوبت باشد، بنا بر احتیاط واجب باید استطاعت را حفظ کند و در نوبت باقی بماند تا به حج مشرف شود.

۶۹ م - کسی که برای حج ثبت نام کرده و نوبت حج او سالهای آینده است جلوانداختن نوبت اگر مستلزم از بین رفتن حقوق دیگران و مخالف مقررات دولت اسلامی نباشد واجب است.

۷۰ م - سفر زن برای ادای حج واجب متوقف بر اجازه ی شوهر نیست و شوهر نمیتواند او را از سفر حج واجب باز دارد.

د - استطاعت زمانی

۷۱ م - استطاعت زمانی یعنی استطاعت در زمانی حاصل شود که انسان فرصت کافی برای رسیدن به حج در ایام مخصوص را داشته باشد؛ بنابراین کسی که استطاعت او در زمانی حاصل شده که به سبب تنگی وقت نمیتواند به حج برسد یا برایش حرج و مشقت شدید دارد، حج در آن سال بر او واجب نیست.

استفتائات استطاعت

۷۲ س - کسی که از وجوه شرعی نظیر خمس و زکات ارتزاق میکند، اگر از خمس یا زکات اضافه

آيد كه به قدر مخارج حج باشد، آيا با وجود ساير شرايط، مستطيع است يا نه؟

ج: اگر استحقاق دريافت را به وجه شرعي داشته است، مستطيع است.

۷۳ س- با توجه به اينكه موقع اعزام زائران به حج، معاينات پزشكي انجام ميشود و كساني كه توانايي جسمي ندارند پذيرفته نميشوند، آيا مردودين معاينات پزشكي كه تاكنون هم راه براي آنان باز نبوده، استطاعتشان محقق نميشود؟

ج: در اين صورت استطاعت ندارند. ولي اگر اميد به خوب شدن دارند بنابر احتياط واجب خود را از استطاعت مالي خارج نكنند.

۷۴ س- در مورد مهریه ي مدت دار، كه در صورت توان بر زوج لازم است بپردازد، اگر زوجه مطالبه نكند، زوج مستطيع است يا پرداخت مهریه مقدم است؟

ج: ادا مهریه بدون مطالبه ي زوجه، واجب نيست و در صورتی كه هنگام مطالبه بتواند به سهولت مهریه را پرداخت كند انجام حج مقدم است.

۷۵ س- آيا با پس انداز پول در مدت چندين ماه، شخص مستطيع ميشود؟ بويژه زماني كه بداند جز از اين طريق، مستطيع نخواهد شد.

ج: ايجاد استطاعت از اين طريق واجب نيست، اما اگر به قدر هزينه ي حجة الاسلام پس انداز شود، در صورت تحقق بقيه ي شرايط استطاعت، مستطيع ميشود.

۷۶ س- آيا ديدار پدر و مادر يك ضرورت اجتماعي يا شرعي يا شخصي به شمار مي آيد؟ و اگر چنين است، آيا شخص مستطيع ميتواند حج را به تاخير اندازد و مال را براي اين كار هزينه كند؟ با فرض اينكه لازمه ي ديدار پدر و مادر، انجام سفر و مانند آن باشد.

ج: اگر مستطيع است، واجب است حج به جا آورد و جايز نيست حتي با صله ي رحم، خود را از استطاعت خارج كند؛ صله ي رحم در ديدار حضوري منحصر نيست، بلكه ميتوان نامه نوشت يا تماس تلفني برقرار كرد؛ ولي اگر ديدار والدين در شهر ديگر برحسب حال آنان يا خودش، لازم باشد و از نيازهاي عرفي او محسوب شود و مال كافي براي هر دو - ديدار و حج - نداشته باشد، در اين صورت مستطيع نيست.

۷۷ س- اگر زني كه به نوزاد خود شير ميدهد، مستطيع شود، چنانچه رفتن او به حج براي كودك

شیرخوارش ضرر داشته باشد، آیا میتواند به حج نرود؟

ج: اگر ضرر به گونه ای باشد که شیردهنده باید کنار کودک باشد یا شیردهنده با رفتن به حج، خودش دچار حرج و مشقت شدید شود، حج بر او واجب نیست.

۷۸ س- اگر قیمت زیورآلات زن برای استطاعت کافی باشد، باید آنها را بفروشد و به حج مشرف شود؟

ج: اگر به زیورآلات نیاز داشته باشد و اضافه بر شأن او نباشد، مستطیع نیست و واجب نیست آن را برای هزینه ی سفر حج بفروشد.

۷۹ س- اگر زن برای به جا آوردن حج مستطیع باشد، اما شوهرش به او اجازه ندهد، زن چه وظیفه ای دارد؟

ج: اجازه ی شوهر برای انجام حج واجب شرط نیست، اما اگر رفتن زن به حج بدون کسب اجازه ی شوهر، موجب حرج و مشقت شدید برای زن شود، مستطیع نخواهد بود و حج بر او واجب نیست.

۸۰ س- شوهرم هنگام عقد ازدواج به من قول داده که مرا به حج ببرد؛ آیا حج بر من واجب شده است؟

ج: با وعده و قول، حج واجب نمیشود.

۸۱ س- آیا جایز است انسان در نیازهای ضروری زندگی بر خود سخت بگیرد تا برای حج استطاعت کسب کند؟

ج: جایز است، اما شرعاً واجب نیست. البته جایز بودن تنها در مورد خود انسان است، اما سخت گرفتن بیش از حد متعارف بر خانواده - که نفقه ی آنها واجب است - جایز نیست.

۸۲ س- من در گذشته چندان به مسائل دینی پایبند نبودم و اموالی داشتم که برای انجام سفر حج کافی بود (مستطیع بودم)، اما به سبب شرایطی که در آن دوره داشتم، به حج نرفتم. در حال حاضر وظیفه ی من چیست؟ لازم به ذکر است که اکنون مبلغ کافی برای رفتن به حج در اختیار ندارم؛ از طرفی برای این کار دو روش وجود دارد؛ ثبت نام در سازمان حج و دیگری با صرف هزینه ی بیشتر. آیا ثبت نام در سازمان حج کفایت میکند؟

ج: اگر در گذشته تمام شرایط استطاعت شرعی را داشته اید، حج بر ذمه ی شما قرار گرفته است و

باید به هر روش ممکن و مشروع، البته در صورتی که به حرج و مشقت شدید دچار نشوید آن را به جا آورید؛ اما اگر در گذشته از تمام جهات مستطیع نبوده اید، در فرض مذکور حج بر شما واجب نیست.

۸۳ س- آیا خوف جانی، از حصول استطاعت مانع میشود؟

ج: اگر خوف خطر جانی عقلایی نباشد، مانع از حصول استطاعت نیست.

۸۴ س- اگر تشرّف به حج با فیش میّت با اجازه ی ورثه ممکن باشد، آیا اجازه گرفتن به عنوان مقدّمه ی واجب - مثل ثبت نام - واجب است؟ اگر بدون اجازه با همان فیش به حج رود، با فرض تحقق بقیّه ی شرایط استطاعت، حج صحیح است و از حَجّة الاسلام کفایت میکند؟

ج: اجازه گرفتن واجب نیست، اما برای استفاده از فیش میّت اجازه ی ورثه لازم است و چنانچه بدون اجازه از آن استفاده کند، اگر از میقات به بعد هم استطاعت از ناحیه ی فیش باشد، حجّ او حَجّة الاسلام محسوب نمیشود ولی اگر از میقات به بعد، بدون توجّه به فیش، شرایط استطاعت را داشته باشد حجّ او مُجْزِی از حَجّة الاسلام است.